



یادداشت

"رژیم اسلامی از مخالفت با " طاغوت " تا تبدیل شدن به " طاغوت "

صادق کار



در گیریهای های اخیر میان روحانی و محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه اش با شمخانی و بقیه مخالفان دارودسته روحانی در هفته های اخیر پس از اتهاماتی که بر سر برجام و مکانیسم ماشه و ماجرایی سرنگونی هواپیمای اوکرائینی به هم وارد کردند با انتشار فیلمی که از مراسم عروسی مجلل دختر شمخانی در رسانه ها منتشر شد، ابعاد اجتماعی و سیاسی گسترده ای در جامعه پیدا کرده است و چند روزی است که این عروسی و بقیه قضایا نقل و نبات محافل بسیاری شده است.

گفته می شود این فیلم ضد حمله ای از سوی باند روحانی است به افشاگری شمخانی در مورد اطلاع داشتن روحانی از قضیه سرنگونی هواپیمای اوکرائینی توسط نیروهای رژیم که روحانی منکر آن شده بود. البته این تنها بخشی از تشدید جنگ قدرتی است که بر سر مسائل مختلف بخصوص بر سر سیاست خارجی پس از اجرای مکانیسم ماشه میان طرفداران و مخالفان برجام و انتخاب رویکرد سیاست خارجی جریان دارد.

چگونگی مناسبات خارجی رژیم به یک عرصه نبرد بیش از پیش مهم میان باندهای قدرت تبدیل شده و یک شکاف عمیق بین طرفین بوجود آمده که به نظر نمی رسد پرکردنی باشد. مدتهاست که دیگر هیچ کدام از جناح ها از سیاست اولیه حکومت که "نه شرقی نه غربی بود" دفاع نمی کنند. جریان موسوم به اقتدارگرایان و طرفداران جلیلی و پایداری و بخش زیادی از سرداران سپاه و خود خامنه ای عملاً از گرایش سیاست خارجی بسوی شرق حمایت می کنند و در این جهت فعالیت خود را سازمان می دهند.

جریانان موسوم به اصلاح طلب و راستگرایان میانه روتر مانند کارگزاران، جریان روحانی، اکثر اتاق بازرگانی احمدی نژاد از رابطه با غرب حمایت می کنند و در واقع غربگرایان افراطی هستند که برای پیشبرد نظر خود از هیچ وسیله ای دریغ ندارند.

حملات اسرائیل و امریکا به ایران و جنایاتی که در جنگ ۱۲ روزه آفریدند، و فعال کردن مکانیسم ماشه از سوی کشورهای بزرگ غربی جناح طرفدار شرق را تقویت و گرایش غربگرا را تضعیف کرده است و همین موضوع موجب تشدید اختلافات و علنی شدن بخشی از مسائل پشت پرده حال و گذشته شان شده است. ناگفته پیداست که این در گیریها به زیان هر دو جریان است، با این حال از آنجا که جهت گیری آینده سیاست خارجی نقش تعیین کننده ای در جهت گیری سیاسی داخلی آینده رژیم خواهد داشت پیروزی برای هر دو جناح حائز اهمیت بسیاری است. سیاست نه شرقی نه غربی اولیه رژیم به مانند بقیه شعارهای آن رنگ باخته است. در مورد وعده هایی چون برقراری حکومت مستضعفان، نشان دادن کوخ نشینان بر جای کاخ



نشینان و برچیدن بساط حکومتی که خمینی با نام طاغوت از آن یاد می کرد، همگی در طول چند دهه گذشته یا کنار گذاشته شده و یا خلاف آن عمل شده است.

کسانی که ظاهراً قرار بود با طاغوت و حکومت طاغوتی و کاخ نشینی مبارزه کنند مدتهاست که خود جای کاخ نشینان و طاغوتی های سابق را گرفته و خود به "طاغوت های" زمانه ما به تعبیری که خمینی بکار می برد تبدیل شده اند و برای خود کاخ هایی ساخته اند که کاخ سعد آباد به گرد آنها نمی رسد.

عجیب اینکه آنهایی که ادعای عدالت خواهی داشتند و دارند حالا در رسانه های شان از مولتی میلیاردهایی چون شمشانی که همه می دانند، زمان انقلاب آه نداشته که سودا کند به رغم اینکه می دانند منشأ ثروت وی چیست دفاع می کنند. همین قضیه در مورد بابک زنجانی، سردار محصولی و سایر کسانی که به قیمت به فقر کشاندن اکثر مردم که بنا به ادعان سخنگوی دولت بیش از یک سوم جمعیت کشور را در بر می گیرد قادر به تامین حداقل کالری مورد نیاز خود نیستند، با غارت اموال عمومی و رانت به مولتی ملیاردهای روزگار تلخ مردم تبدیل شده اند. به قضایای کشتار و آزار و اذیت زنان بسیاری به واسطه مخالفت با حجاب اجباری و دفاع امثال شمشانی ها و همین حامیان مدعی عدالخواهی آنها در سرکوب جنبش زن، زندگی، آزادی اشاره نمی کنم که در این عروسی صد و هشتاد درجه با ادعای این جماعت تضاد داشت. از نظر من ایرادی به بی حجابی دختر، همسر و سایر مهمانان نیست، غرض دورویی و ریکاری این جماعت است. که چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند.

از شمشانی گفتم، نه اینکه جناح مخالف کمتر اهل فساد و مال اندوزی و کاخ نشینی و زندگی لاکچری نیستند. خیر هیچکدام از طرفین مناقشه از این فسادها مبرا نیستند. برادر خود روحانی، و همچنین برادر معاون اول او و اسحاق جهانگیری با استفاده از نفوذ برادران خود برای اندوختن مال از اموال عمومی کم بهره نگرفتند. ثروت نهواندی رئیس دفتر روحانی و رفقای گرمابه و گلستان ایشان و روسای حزب کارگزاران طرفدار رفسنجانی هم اگر از شمشانی بیشتر نباشد کمتر نیست. البته تعداد مولتی میلیاردرهایی که بواسطه وابستگی به قدرت به ثروتهای نجومی رسیده اند کم نیست. بنا بر این دغدغه اصلی این جماعت نه مردم و کشور بلکه منافع اقتصادی و موقعیت خودشان در هرم قدرت است. بهمین دلیل است که با وجود عمومی شدن فقر و فلاکت بیش از دو سوم جمعیت کشور و تهدیدات جنگی مشغول لت و پار کردن یکدیگر شده اند. واقعیت این است که رژیم اسلامی بر خلاف همه ی ادعاها و وعده های فریبکارانه اش به مردم، خود به رژیمی "طاغوتی" تر و "مستضعف" کشته از هر رژیم دیگری تبدیل شده است. بهمین جهت تنها اثر این درگیری ها میان مردم انزجار بیشتر از هر دو جناح و پیدا کردن انگیزه بیشتر برای تشدید مبارزه جهت سرنگون کردن آن است.

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!



فقر: علل و چاره های آن بخش اول

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی



1. چکیده

فقر در جهان جهانی شده امروز پدیده ای چندوجهی است. این پدیده ریشه در علل مختلفی دارد و راه های متعددی نیز برای رفع آن وجود دارند. مقاله حاضر با مروری بر تعاریف و فقر و روشهای سنجش آن آغاز می شود و سپس به بحث در باره علل مختلف فقر می پردازد. این مقاله مشخصاً فساد دولتی، فقدان آموزش، بی ثباتی سیاسی، ویژگیهای جغرافیایی، حکمرانی ناکارآمد محلی و سیاستهای دولت را به عنوان علل فقر شناسایی می کند. مقاله در ادامه بحث، بر اساس علل شناسایی شده، راهکارها یا توصیه های ممکن برای ریشه کنی فقر را ارائه می دهد. این پیشنهادها از جمله شفاف سازی دموکراتیک و شفاف سازی بودجه دولت، افزایش آگاهیهای عمومی، ایجاد چارچوبی برای رشد و تحول اقتصادی، و راه های افزایش توانایی تهیدستان برای کسب درآمد بیشتر را شامل می شوند.

واژگان کلیدی: سیاست اقتصادی، سیاست دولت، ریشه کنی فقر، توسعه پایدار

2. مقدمه

بر اساس شاخصهای بانک جهانی در سال 2008 که مبتنی بر داده های حاصل از بررسیهای انجام یافته در سال 2005 اند، فقط 5 درصد از درآمد جهانی به 40 درصد از جمعیت جهان (تهیدستان) تعلق می گیرد. از سوی دیگر، 75 درصد از درآمد جهانی عاید 20 درصد از جمعیت جهان (ثروتمندان) می گردد. شاخصهای بانک جهانی همچنان نشان می دهند که حداقل 80 درصد جمعیت جهان با کمتر از 10 دلار [آمریکا] در روز زندگی می کنند و بیش از سه میلیارد نفر از مردم جهان با کمتر از دوونیم دلار در روز زندگی می کنند. سازمان ملل متحد در گزارش "هدف توسعه هزاره" خود در سال 2011 اعلام کرد که در سال 2005 یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر در فقر شدید و با کمتر از 1.25 دلار در روز زندگی می کردند. سازمان ملل پیش بینی کرده بود که تا سال 2015 قریب یک میلیارد (900 میلیون) نفر با دستمزدی کمتر از 1.25 دلار آمریکا در روز زندگی خواهند کرد. آمارها نشان می دهند دو منطقه ای که دارای تعداد بسیار بالایی از افراد با فقر شدید اند، آفریقای سیاه (آفریقای زیرصحرای) و پس از آن آسیای جنوبی اند. در جمهوری دموکراتیک کنگو از هر ده نفر هشت نفر از اهالی با کمتر از 2 دلار آمریکا در روز زندگی می کنند. 76 درصد از اهالی هند با درآمد روزانه کمتر از 2 دلار زندگی می کنند. این درصد در کشور یک و نیم میلیاردی عهند بالغ بر 1 میلیارد نسان است. این وضعیت نشان می دهد که کشورهای با رشد جمعیت بالا و منابع اقتصادی محدود، با دوشاریهای بیشتری برای کاهش فقر مواجه اند.



در سال ۲۰۰۰، قریب ۱۹۰ کشور متعهد شدند که فقر شدید یا مطلق را کاهش دهند و همچنین با محرومیت‌های مختلفی که تهدیدستان هرروزه با آنها مواجه اند، مقابله کنند. بر اساس این تعهد بود که سند توسط سازمان ملل تنظیم شد. هدف این سند (Millennium Development Goals) اهداف توسعه هزاره رهایی مردم از شرایط فقر شدید تا سال ۲۰۱۵ بوده است. در سال ۲۰۱۰ سازمان ملل بار دیگر بر تعهد خود برای دستیابی به پیشرفت سریع به سوی اهداف توسعه هزاره تأکید کرد. اولین هدف توسعه هزاره، ریشه کنی فقر شدید و گرسنگی است. سه هدف اصلی سعه هزاره به جمعیت بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ اشاره دارد. این اهداف سه گانه عبارت اند از: کاهش تعداد افرادی که درآمدشان کمتر از ۱ دلار در روز است به نصف، دستیابی به اشتغال کامل و مولد و کار شایسته برای همه، از جمله زنان و جوانان، و کاهش نسبت افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند نیز به نصف.

مقاله مختصر حاضر با هدف شناسایی علل فقر و ارائه چاره‌ها یا توصیه‌های ممکن و عملی برای کاهش فقر شدید، اگر نگوئیم ریشه کنی فقر شدید، نگاشته شده است. مقاله با مروری بر تعاریف فقر و روشهای سنجش آن آغاز می‌شود و سپس به بحث در باره علل مختلف فقر می‌پردازد. مقاله با ارائه چند توصیه و تصریح جهاتی برای بررسی و تحقیق بیشتر به پایان می‌رسد.

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

نکاتی پیرامون گزارش جعلی سخنگوی دولت در مورد خط فقر

صادق



فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان دو روز پیش در خلال مصاحبه مطبوعاتی خود از افزایش شدید تورم خبر داد و متعاقب آن یک آمار جعلی از خط فقر در کشور ارائه کرد تا خط فقر را نصف آنچه هست جلوه دهد او از اختصاص یارانه و کالا برگ بعنوان راه کار دولت برای مقابله با فقر داد سخن داد و آنرا در راستای برقراری عدالت اجتماعی خواند. و گفت:



"خط فقر در سال ۱۴۰۳ به ازای هر فرد ۶ میلیون و ۱۲۸ هزار و ۷۳۹ تومان برآورد شده است. دولت با صراحت اعلام می‌کند که تورم بالاست و عامل اصلی آن تحریم‌هایی است که فشار مستقیم بر معیشت مردم وارد کرده است. او به خط فقر در سال ۱۴۰۳ یعنی یکسال پیش اشاره کرد و آمار مربوط به خط فقر در سال ۱۴۰۴ را کتمان کرد تا مغری برای توجیه آمار جعلی خود داشته باشد. هیچکس هم از ایشان نپرسید آمار یک سال پیش چه ربطی به امسال دارد که هزینه‌های زندگی در این مدت در اثر سیاستهای شوک درمانی دولت و منجمد کردن دستمزدها زیر خط فقر دوبار شده است؟

او همچنین با اعتراف به افزایش شدید تورم علت آن را فریبکارانه در تحریمها خلاصه کرد تا بتواند نقش سیاستهای شوک درمانی دولت را که بیشترین نقش را در افزایش تورم داشته است لاپوشانی نماید.

او طوری وانمود کرد که گویا دولت با اختصاص کالابرگ و توضیح مواد خوراکی گرانی‌های ناشی از تورم را جبران کرده است. این ادعا نیز واقعیت ندارد زیرا اولاً مقدار کالاهای توضیح شده با کالابرگ آنقدر ناچیز و اندک است که نقش آنچنانی در کاهش فقر ندارند. دوماً فقر علل دیگری نیز مانند افزایش هزینه مسکن، دارو و درمان، آموزش، لباس، تفریح و غیره هم دارد که هزینه این اقلام نیز همگی به شدت بواسطه سیاستهای دولت و اقداماتی مانند حذف یارانه‌ها افزایش یافته‌اند. تنها اجاره مسکن بالغ بر ۶۰ درصد در مدت ریاست جمهوری پزشکیان افزایش یافته است. هیچکدام از این اقلام در کالابرگ جایی ندارند. همان مقدار کمی که بنام کالابرگ به گروه‌های از بی چیز شدگان جامعه که در واقع قربانیان سیاستهای اقتصادی حکومت هستند داده می‌شود، از قطع یارانه نزدیک به ۱۶ میلیون از یارانه بگیران سابق که دستکم نیمی از آنها درآمدی کمتر از خط فقر دارند پرداخت می‌شود. به یک معنی هزینه کالابرگها را از جیب و به قیمت افزودن فشار اقتصادی لایه‌های از یارانه بگیران می‌دهند.

اما علت دادن کالابرگ به جای افزایش دستمزد و پرداخت حق مسکن یک ترفند فریبکارانه بازاری است برای توجیه افزایش ندادن دستمزدها متناسب با هزینه‌های زندگی. آنهم در شرایطی که موجی از اعتراضات فزاینده معیشتی که خواست اصلی همه‌ی آنها افزایش دستمزد و حقوق و مستمری‌های بازنشستگی است در سراسر کشور جریان دارد.

مقصود از ارائه آمار جعلی خط فقر در این روزها در واقع ادامه امتناع دولت از دادن پاسخ مثبت به درخواست افزایش دستمزد به شکلی پیچیده‌تر از گفتن نه ساده به درخواستهاست

بر اساس همین آمار یکی از روزنامه‌های اقتصادی مدافع سیاستهای شوک درمانی دولت نوشت با در نظر گرفتن آمار سخنگوی دولت ۳۶ درصد از جمعیت کشور توانایی تامین کالری لازم روزانه خود را ندارند. البته همچنان که پیشتر گفته شد تعداد این جمعیت که قربانیان سیاستهای اقتصادی شوک درمانی هستند بسیار بیشتر از آمار جعلی دولت است. کما اینکه خبرگزاری ایلنا نیز در گزارشی تحت عنوان "خانم سخنگوی دولت، چطور خط فقر ۶ میلیون تومان است؟ با آرایه‌های از رشد فقر و هزینه‌های زندگی، نادرست بودن این آمار و ارقام را نتیجه گرفت و نوشت:

"احتمالاً نظریه و استراتژی کلان دولت این است که ثابت کنند کارگر سرپرست یک خانوار سه نفره که ۱۵ میلیون حقوق می‌گیرد با احتساب یارانه برای ۳ نفر و کالابرگ واریزی، دستمزدش به بیش از ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد و در نتیجه دیگر زیر خط فقر نیست، چون خط فقر ادعایی دولت برای سه نفر همین حدود است!



به نظر می‌رسد این رقم ادعایی سخنگوی دولت، عجیب‌ترین و بی‌مایه‌ترین نمونه از عددسازی‌های اقتصادی دولت است."

با این اوصاف تردید نباید داشت که اگر مردم خاصه این جمعیت بزرگ واکنش لازم برای درهم شکستن سیاستهای فقر آور حکومت را بروز ندهد، شمار واقعی جمعیت زیر خط مطلق فقر روز به روز با ادامه سیاستهای شوک درمانی دولت بیشتر و عوقب آن هولناکتر از گذشته شود و تعداد بیشتری از جمعیت کشور نتوانند حتی کالری مورد نیاز بدن شان را تامین کنند و سئو تغذیه که هم اکنون نیز ابعاد گسترده‌ای دارد عمومیت پیدا نکند. جعل و تحریف و پنهان کاری آمارها در جمهوری اسلامی پدیده تازه‌ای نیست، در طول ۴۶ سال گذشته همیشه مسولان در همه موارد آمارها را جعل و وارونه کرده‌اند. وضعیت فلاکت بار کنونی بخشا نتیجه جعل و دستکاری در آمارها برای پوشاندن عملکرد رژیم از چشم جامعه است. این رویه همچنان در دولت مدعی اصلاح طلبی پزشکيان که چپ و راست از درمیان گذاشتن واقعیات با مردم لاف می زند همچنان داوم دارد

کارگران بدون حقوق چگونه زندگی کنند؟

ع امید



این سوالی است که در ماه‌های اخیر بیشتر از گذشته مطرح می شود. تاخیر در پرداخت دستمزد کارگران هر چه می گذرد بیشتر شایع می شود. دستمزدها در تعداد زیادی از کارخانه و موسسات خدماتی با ۳ تا ۷ ماه تاخیر پرداخت می شود و این پدیده شوم روز به روز در موسسات بیشتری اشاعه پیدا می کند و با وجود اعتراضات زیادی که نسبت به این وضعیت انجام می گیرد، این پدیده همچنان در حال گسترش است.

روز گذشته خبرگزاری ایلنا مانند روزهای پیشتر چند گزارش از این نوع اعتراضات را منتشر کرد. و کارگران ایران صدای بوشهر چهار ماه حقوق طلبکارند، ۱۵۲ کارگر پیمانکاری شهرداری ایلام با دو تا نوشت، سه ماه حقوق معوقه وضعیت شغلی بلا تکلیفی دارند، هنوز برخی بازنشستگان تامین اجتماعی حقوق مهر خود را نگرفته اند.. کارگر

دلایل مختلفی برای ندادن دستمزد و حقوق های کارگران و بازنشستگان مطرح می شود که اکثرشان موجه نیستند. دلایلی مانند نداشتن بودجه، پرداخت نشدن پول طرح های دولتی سفارش داده شده به شرکتهای پیمان کاری، قطع برق، کاهش تولید و ... صرف نظر از درست یا نادرست بودن دلایل مطرح شده، سوال اساسی این است که وقتی چند ماه دستمزد و حقوق کارگر یا بازنشسته پرداخت نمی شود و هیچ



مرجعی به شکایات و اعتراض آنها که گذر امورات زندگی شان به پرداخت منظم دستمزدهای اندک شان وابسته است رسیدگی نمی کند، آنها چه باید بکنند؟ یکی از کارگران صدرا خطاب به خبرنگار خبرگزاری ایلنا می گوید:

هر ماه بخش زیادی از حقوق دریافتی ما هزینه اجاره خانه و پرداخت اقساط بانکی و سایر بدهی ها " می شود و گاه منابع مالی کافی برای تامین مایحتاج ماهانه نداریم. حال این پرسش مطرح است که چقدر برای صاحبخانه ها و بانک ها و سایر طلبکاران مهم است که ما کارگران حقوق و مزایای خود را با تاخیر دریافت می کنیم و آیا آنها منتظر می ماند؟

این گفته در واقع حرف دل همه ی آنهاست که چند ماه است کار کرده اند اما حقوق خود را دریافت نکرده اند و هر روز دست از پا درازتر با دست خالی به خانه های می روند که خانواده هایشان منتظرند پدر یا مادرشان وقتی به خانه می آید با دست پر بیاید.

گرو گرفتن دستمزدها وسیله سرکوب مزدی

زمانی که می بینیم کارفرمایان با وجود تداوم تولید و درآمد با استفاده از فشار معیشتی دستمزد چند ماه کارگران خود را گرو می گیرند و همراه با آن بخشی از مزایای جنبی مزدی را که قانونی هستند قطع می کنند، معلوم می شود که سبب اصلی ندادن منظم و به موقع دستمزدها نه لزوماً به دلیل نداشتن پول بلکه برای فشار آوردن به کارگر از یکسو و گرفتن امتیاز از دولت از سوی دیگر است. چطور می شود کارخانه های پر درآمدی مانند فولاد، یا پتروشیمی ها که بدون وقفه مشغول بکار هستند و کالاهای تولیدی شان پر مشتری است نتوانند دستمزد کارگران خود را بدهند و چطور می شود که بعد از یک هفته اعتراض و اعتصاب دستمزدهای معوقه را پرداخت می کنند؟

قراینی در دست است که نشان می دهند تعدادی از مدیران در واحدهای صنعتی دولتی سعی می کنند با ایجاد بحران از طریق آوردن فشار به کارگران برای فراهم کردن مقدمات واگذاری شرکتها اقدام می کنند. این طرفند که از پشتیبانی دولت نیز برخوردار است سابقه طولانی دارد.

تعدادی از کارفرمایان بخش خصوصی با ندادن منظم دستمزدها برای بخشودگی بدهی حق بیمه هایی که پرداخت نکرده اند و بخشودگی مالیاتی عمداً با این وسیله و رد نکردن حق بیمه به حساب تامین اجتماعی که گاهی با اخراج موقت کارگران هم همراه می شود تلاش می کنند از دولت امتیازاتی بگیرند که در واقع در مواردی مانند بخشودگی حق بیمه تاوان آن را تامین اجتماعی و کارگران تحت پوشش باید بپردازند. در مواردی نیز مستند شده که تعداد از کارفرمایان بویژه در پیمانکاریها با ندادن دستمزدها به قیمت فشار به خانواده های کارگران شان کاسبی می کنند.

در این میان فشار به کارگران شهرداری ها که اکثرشان برای شرکت های پیمانکاری کار می کنند به مراتب بیشتر از کارگران صنعتی است. دولت نیز غالباً به فشارها تن در می دهد و هم دست کارفرمایان را در سرکوب مزدی باز می گذارد و هم با اعزام نیروی سرکوب برای فرونشاندن اعتراضات و جلوگیری از متشکل شدن کارگران از کارفرمایان حمایت می کند. زمانی که نه فریادرسی هست که به داد کارگر رسیدگی کند و نه موقعیت بگونه ای است که اعتراضات به نتیجه مطلوب برسند، این وضعیت پر رنج و درد را فقط یک جنبش نیرومند کارگری سازمان یافته می تواند دگرگون کند و لا غیر. انتخاب دیگری وجود ندارد.



ادامه اعتراض کارگران پیمانکاری نیشکر هفت‌تپه/ کیفیت غذا نامناسب است

.کارگران پیمانکاری هفت‌تپه برای چهارمین روز دست به تجمع صنفی زدند

جمعی از کارگران پیمانکاری مجتمع نیشکر هفت‌تپه در تماس با خبرنگار ایلنا، از ادامه اعتراض صنفی خود برای چهارمین روز خبر دادند

این کارگران به عملکرد پیمانکار و به طور مشخص، بد بودن کیفیت غذا اعتراض دارند و می‌گویند: حقوق قانونی کارگران توسط پیمانکاران رعایت نمی‌شود

آنها می‌گویند: بخش قابل توجهی از رفاهیات و مزایا از سوی پیمانکار پرداخت نمی‌شود؛ برای نمونه، پولی که برای هر وعده غذای کارگر به پیمانکار داده می‌شود، کامل صرف تهیه غذا نمی‌شود؛ به همین دلیل است که سطح رفاهیات و کیفیت غذای کارگران پایین است



:روایت زنی بازنشسته و سرپرست خانوار

!سه روز درماندگی برای بهره‌مندی از درمان رایگان

امروز، نه مستمری کفاف حداقلی‌ترین هزینه‌های زندگی را می‌دهد، و نه آنچنان که باید بهره‌ای از درمان رایگان تأمین اجتماعی نصیب بیمه‌شدگان می‌شود. نیروی کاری که ماهیانه درصد قابل توجهی از دستمزد کار خود را برای استفاده از خدمات حمایتی این صندوق کنار گذاشته و یا کنار می‌گذارد، دیگر امید چندانی به خیر این صندوق بیمه‌گر ندارد





تجمع جمعی از بازنشستگان و فعالان صنفی در گیلان با دعوت به اتحاد

دیروز یکشنبه همزمان با تهران، شوش، اهواز و دیگر شهرها تجمعی در شهر رشت برگزار شد. در این تجمع که گروهی از بازنشستگان و فعالان صنفی حضور داشتند، تجمع کنندگان با شعار، کارگر، معلم، کشوری، لشگری اتحاد اتحاد، خواهان اتحاد همه مطالبه گران از قشرهای مختلف اجتماعی شدند

علاوه بر برگزاری اعتراضات گسترده و سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی در روز ۷ مهر بازنشستگان مخابرات نیز امروز ۵ مهر به روال هفته های پیشین تظاهرات سراسری خود را در شهرهای مختلف کشور برگزار کردند. تظاهر کنندگان در تظاهرات خود امتناع دولت از عملی کردن مطالبات خود را محکوم و بار دیگر خواستار عملی کردن مطالبات خود شدند.



۳ اعتراض پیاپی ظرف ۲ روز در صنعت نفت

گزارش کانال شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت:

۳۰ مهر تجمع اعتراضی همکاران رسمی در بهرگان

۲۹ مهر تجمع اعتراضی همکاران رسمی در سیری

SPGC مهر تجمع اعتراضی همکاران رسمی در شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی (پالایشگاه هفتم) ۲۹

از ساعت ۷-۹ صبح روز سی ام مهرماه ۴۰۴ همکاران رسمی در شرکت فلات قاره در بهرگان برای احقاق در روز قبل بیست و نهم مهرماه نیز این همکاران در شرکت . حقوق خود دست به تحصن و راهپیمایی زدند و همچنین در شرکت نفت فلات قاره در سیری تجمع (SPGC) مجتمع گازی پارس جنوبی، پالایشگاه هفتم کردند.

این اعتراضات تا ایفای کامل حقوق همکاران ادامه خواهد یافت. خواسته های اعلام شده همکاران عبارتست از: اصلاح پایه حقوق کارکنان حداقل بگیر، حذف کامل سقف ظالمانه حقوق کارکنان عملیاتی، برچیده شدن عنوان های ساختگی و جعلی به جهت تفکیک مشاغل مناطق عملیاتی، پرداخت کامل پاداش سنوات بازنشستگی، عودت مالیات های مازاد اخذ شده طبق قوانین موجود، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن و کسورات مربوط به صندوق بازنشستگی، استقلال کامل صندوق بازنشستگی نفت



به گزارش ایلنا، رئیس مرکز آمار ایران در اظهارنظری، از افزایش حدود صد درصدی نرخ نان و غلات خبر داد. رئیس مرکز آمار گفت: نرخ تورم نقطه به نقطه در بخش غلات به میزان ۹۴.۳ درصد است؛ میوه و خشکبار هم با نرخ ۷۷.۳ درصد، بیشترین درصد تورم را به خود اختصاص داده است.



در آستانه بررسی قطعنامه پیشنهادی مجمع عمومی سازمان ملل علیه تشدید تحریم‌های آمریکا WFTU علیه کوبا، بیانیه‌ای صادر کرد.

، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری علیه تشدید محاصره WFTU به گزارش ایلنا و به نقل از پایگاه اقتصادی کوبا، بیانیه‌ای شدیدالحن صادر کرد.

در این بیانیه آمده است:

، با بیش از ۱۱۰ میلیون کارگر عضو در ۱۳۳ کشور تعهد خود را (WFTU) فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری به مبارزه برای دفاع از مردم کوبا در برابر تحریم‌های مرگبار اعمال شده توسط ایالات متحده آمریکا مجدداً ابراز می‌کند.

امروز در حالی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد بار دیگر برای رأی‌گیری در مورد قطعنامه محکومیت محاصره اقتصادی کوبا آماده می‌شود، کوبا مانورهای امپریالیستی دولت ترامپ را که برای منزوی کردن این کشور به منظور باج‌گیری از کشورهای حوزه آمریکای لاتین در دستور کار قرار گرفته، افشا کرده است.

این تلاش‌ها برای اعمال زور علیه کوبا، ناامیدی ایالات متحده آمریکا را برای دخالت در امور داخلی کشورها آشکار می‌کند. طی سه دهه گذشته همواره اکثریت کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل، تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه کوبا را محکوم کردند.

بیش از شش دهه است که تحریم مرگبار اعمال شده توسط ایالات متحده، سختی‌های زیادی را بر مردم و کارگران کشور کوبا تحمیل کرده است.



بیمارستان‌های بدون دارو، مدارس بدون امکانات و خانواده‌های کارگری که از حق زندگی آبرومندانه محروم شده‌اند، همگی قربانی تحریم‌هایی هستند که بدون هیچ بهانه مشخصی تنها به دلیل تفاوت ساختار اقتصادی و سیاسی این کشور توسط آمریکا وضع شدند.

مردم مبارز کوبا نیز با سختی‌های فزاینده‌ای از جمله کمبود شدید انرژی روبرو هستند که ناشی از محاصره اقتصادی و تحریم است. با این حال، مردم کوبا همچنان با عزت مقاومت می‌کنند و انعطاف‌پذیری، خلاقیت و تعهد تزلزل‌ناپذیر خود را به استقلال کشور نشان می‌دهند.

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، متعهد به مأموریت بین‌المللی خود، همبستگی پایدار خود را با کوبا، کارگران و مردم آن اعلام می‌کند.

ما از همه اتحادیه‌های کارگری مستقل و مبارز جهان می‌خواهیم که مبارزات خود را علیه محاصره‌ها و تحریم‌های اقتصادی کشورهای جهان تقویت کنند، باج‌گیری امپریالیستی آمریکا را محکوم کنند و خواستار لغو فوری و بی‌قید و شرط محاصره‌های اقتصادی مرگبار شوند.



دبیر کل خانه پرستار می‌گوید: در حال حاضر شغل پرستاری جذابیتی ندارد و پرستاران بعد از بهره‌مندی از آموزش‌های کافی، شغل خود را رها می‌کنند. بسیاری از خدمات پرستاری در مراکز درمانی توسط پرستاران طرحی ارائه می‌شود و این موضوع کیفیت خدمات درمانی را کاهش داده است.

در شرایط فعلی، پرستاران به دلیل مشکلات اقتصادی از جمله اجاره مسکن، هزینه‌های زندگی و مخارج خانواده، تمرکز لازم برای ارائه خدمات ایمن و باکیفیت را ندارند. از سوی دیگر، کمبود نیروی پرستار باعث شده است هر پرستار در برخی بخش‌ها به جای پنج یا شش بیمار، مسئولیت مراقبت از ده تا پانزده بیمار را بر عهده بگیرد؛ در شیفت شب این رقم حتی به بیست بیمار هم می‌رسد. طبیعی است که در چنین شرایطی، احتمال بروز خطا بالا می‌رود و کیفیت خدمات کاهش می‌یابد.



وی با بیان اینکه بسیاری از پرستاران ناچارند دو یا سه شیفت متوالی کار کنند، گفت: پرستاری که برای تأمین معاش خود چند شیفت پشت سر هم کار می‌کند، دچار خستگی مفرط می‌شود و نمی‌تواند خدمات ایمن ارائه دهد. نتیجه این وضعیت، آسیب دیدن بیماران و فرسودگی شدید نیروی انسانی در نظام سلامت است. بنابراین دستاوردهایی که وزارت بهداشت اعلام کرده، در واقع برای پرستاران معنای واقعی ندارد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>